

حوزه دریای مدیترانه و آینده پژوهی مناسبات ترکیه و اسرائیل

رضا دهقانی^۱

علیرضا حسینی یزدی^۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۶/۰۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۴/۱۷

DOI: 10.22034/wasj.2023.177997

چکیده

موضوع روابط ترکیه و اسرائیل از جمله مباحث مهم مطالعات منطقه‌ای محسوب می‌شود. روابط دو جانبه ترکیه و اسرائیل از زمان برقراری روابط دیپلماتیک در سال ۱۹۴۹ شاهد رشد قابل توجهی بوده است و در زمینه‌های مختلف به سرعت توسعه یافته است. ترکیه و اسرائیل دو بازیگر قدرتمند، در خاورمیانه و مدیترانه هستند، مدیترانه یکی از کانون‌های تحولات در دو دهه اخیر است این مقاله در پی پاسخ به این سوال است که تحولات حوزه مدیترانه چگونه آینده مناسبات ترکیه و اسرائیل را تحت تأثیر قرار خواهد داد. تحقیق این فرضیه را بررسی می‌کند که منافع و تهدیدات مشترک آنکارا و تل‌آویو در مدیترانه، در آینده سبب همکاری محدود آنها خواهد شد. به منظور بررسی تأثیر تحولات حوزه دریای مدیترانه بر آینده مناسبات ترکیه و اسرائیل از ظرفیت‌های تبیینی نظریه امنیت منطقه‌ای استفاده شده است. تبیین مؤلفه‌های تأثیرگذار به عنوان عوامل اصلی یک مجموعه امنیتی برای ارزیابی فرضیه ضروری است.

همچنین در این مقاله با استفاده از آینده پژوهی، به بررسی روابط ترکیه و اسرائیل در پیوند با تحولات حوزه دریای مدیترانه پرداخته است. نتایج حاکی از آن است که ترکیه و اسرائیل براساس منافع و تهدیدات مشترک، به دنبال ایجاد یک همکاری مشارکتی خواهند بود.

کلید واژه: دریای مدیترانه، ترکیه، اسرائیل، منابع هیدروکربنی، امنیت منطقه‌ای، آینده پژوهی.

۱. مقدمه

۲۰۱۷، حادثه تظاهرات روز سرزمین در نوار غزه و انتقال سفارت آمریکا از تل‌آویو به اورشلیم (بیت المقدس) در ۲۰۱۸، به واگرایی تبدیل شده است، اما این روابط مستقل از بحران‌های سیاسی در زمینه‌های امنیتی، اقتصادی، تجارت و گردشگری تاکنون ادامه داشته است. مسئله آنکارا و تل‌آویو تنها مربوط به این مسائل

ترکیه در ۱۹۴۹ پس از اعلام موجودیت اسرائیل، این کشور را به رسمیت شناخت و از آن به بعد روابط دو کشور وارد مرحله‌ای نوین گردید، اما از سال ۲۰۰۰ به بعد، مناسبات فیما بین علی‌الظاهر، در پی حمله به کشتی کمک رسان ترکیه به غزه توسط اسرائیل در ۲۰۱۰، حمایت اسرائیل از همه پرسی کردستان عراق در

۱ دانشیار دانشکده مطالعات جهان، دانشگاه تهران rdeghani@ut.ac.ir

۲ دانش‌آموخته کارشناسی ارشد مطالعات رژیم صهیونیستی alireza_hy@yahoo.com

داعش در مدیترانه، متحدان مختلفی را در منطقه جستجو کرد. تعمیق روابط با یونان، قبرس و مصر بر اساس همکاری متقابل در چندین بخش از جمله اقتصاد، تجارت، گردشگری، سرمایه‌گذاری، توسعه کشاورزی، دفاع، فناوری، انرژی، محیط زیست، حمل و نقل دریایی و آموزش است.

تل‌آویو به عنوان یکی از فعالترین گروه دیالوگ دریای مدیترانه^۱، معتقد است با داشتن توانمندی اقتصادی و نظامی خود در مدیترانه، علیرغم هزینه‌های سیاسی و اقتصادی فضای بیشتری برای معامله با شرکای خود فراهم می‌کند.

بنابراین اعتقاد بر این است که ترکیه و اسرائیل به عنوان دو قدرت منطقه‌ای دارای نفوذ در مدیترانه، به عنوان دو رقیب می‌باشند، هرچند رقابت آنکارا-تل‌آویو تنها به حوزه دریای مدیترانه ختم نمی‌شود، اما به نظر می‌رسد جدا از رقابت‌ها و چالش‌های بین دو کشور از دهه ۲۰۰۰ به بعد، اکنون رقابت آنها وارد مرحله نوینی شده است که در آینده موجبات تغییر و تحولات در سه سطح روابط دو جانبه، منطقه‌ای و بین‌المللی را فراهم خواهد آورد. با توجه به موارد فوق، سؤالی که در این مقاله مطرح می‌شود این است که متغیرهای حوزه دریای مدیترانه چگونه آینده روابط ترکیه و اسرائیل را تحت تأثیر قرار خواهد داد؟ در پاسخ به این سؤال، فرضیه مقاله این گونه قابل طرح است که به نظر می‌رسد منافع و تهدیدات مشترک آنکارا و تل‌آویو در این حوزه، در آینده سبب همکاری آنها خواهد شد، اما این همکاری محدود خواهد بود و بعید است به سطح همکاری موسع ارتقاء یابد. به منظور بررسی فوق از نظریه مکتب کپنهاک (امنیت منطقه‌ای) استفاده شده است. در این مقاله با استفاده از روش آینده پژوهی سعی شده است با مطالعه حوزه دریای مدیترانه، سناریوهای قابل‌تصور را برای آینده روابط ترکیه و اسرائیل ترسیم کند.

نمی‌شود، معادلات دریای مدیترانه در پیوند روابط بین آنها به طور عمیقی گره خورده است. موضوعاتی مربوط به مرزهای آبی، اشتراک منابع هیدروکربن، به هم خوردن توازن قوا، تروریسم، مواد مخدر و مهاجرت در مدیترانه موجب شده است تا به محلی برای تقابل و همکاری کشورهای حاشیه حوزه تبدیل شود.

ترکیه با عضویت در ناتو و داشتن اهمیت جایگاه ژئوپلیتیکی و موقعیت ژئواستراتژیکی، تلاش خود را برای تبدیل شدن به یک بازیگر فعال و تاثیرگذار در مدیترانه، دو چندان کرده است. بنابراین در این حوزه جغرافیایی، دست به اقدامات گسترده زده است. اما رویکرد ترکیه برای دستیابی به منافع خود، می‌تواند پیامدهایی را برای دیگر بازیگران مدیترانه به همراه داشته باشد. استراتژی آنکارا در مدیترانه باعث شده است تا ترکیه به طور فزاینده‌ای مجاب‌یه پیگیری منافع خود شده و رویکرد تهاجمی در پیش بگیرد و چندین سیاست برای حفظ و حمایت از منافع خود از جمله سیاست وطن آبی، دیپلماسی حقوقی، دیپلماسی ناوگان جنگی و دیپلماسی اکتشاف و استخراج انرژی را اجرا کند. به همین علت با افزایش قدرت نظامی خود و برگزاری مانور در آبهای مورد مناقشه، اکتشاف و استخراج انرژی در آبهای ساحلی، امضای قرارداد محدوده اختیارات دریایی در ۲۰۱۱ با قبرس شمالی، امضای توافقنامه‌های نظامی و محدوده اختیارات دریایی در عرصه مدیترانه در ۲۰۱۹ با دولت وفاق ملی لیبی، خرید سامانه دفاعی اس ۴۰۰ از روسیه، تولید چندین نوع پهپادها و به کارگیری آن در نزاع‌های لیبی و سوریه و تقابل با کردها، در این منطقه درصدد است خود را به عنوان قدرتی منطقه‌ای و یکی از بزرگترین صادرکنندگان انرژی به اروپا مطرح کند.

اسرائیل نیز درصدد است در این منطقه، در رقابت از دیگران پیشی بگیرد و علاوه بر تأمین منافع ملی خود، بتواند در معادلات سیاسی و در میان قدرت‌های جهانی و منطقه‌ای ایفای نقش کند. تل‌آویو به دنبال تیرگی روابط با آنکارا، در مقابله با فشارهای امنیتی تهدیدات گروه‌های مقاومت با محوریت ایران، گروه اسلام‌گرایان سنی و گروه‌های تروریستی القاعده و

۱ ناتو باهدف توسعه همکاری و روابط با اسرائیل در دسامبر ۱۹۹۴ با عضویت اسرائیل، مراکش، موریتانی، تونس، مصر واردن گروه دیالوگ دریای مدیترانه را تاسیس کرد. الجزایر نیز در سال ۲۰۰۰ به عضویت این گروه در آمد (هودایگیو: ۲۰۱۶).

۲. ادبیات پژوهش

اولوسوی (۲۰۲۰) در مقاله ترکیه و اسرائیل: تغییر الگوهای اتحاد در شرق مدیترانه به بررسی بر ترکیه و اسرائیل، در دوره پس از جنگ سرد پرداخته است. تغییر روابط بین این دو متحد کلیدی آمریکا در منطقه در واکنش به تغییرات ژئوپلیتیکی که بهار عربی به ارمغان آورد، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. مقاله به این موضوع در سه زمینه مرتبط می‌پردازد: واکنش آنها به تجزیه دولت‌ها در عراق و سوریه، سیاست‌های آنها در قبال اکتشافات انرژی در شرق مدیترانه؛ تأثیر روابط آنها بر ثبات و صلح کلی در منطقه.

موسمر (۲۰۲۰) در مقاله میدان گاز طبیعی لوباتان می‌تواند یک تغییر بازی برای روابط اسرائیل و اتحادیه اروپا باشد به بررسی میزان ذخایر گازی در سواحل حیفا در اسرائیل و ایجاد مجمع گاز مدیترانه شرقی در ۲۰۱۹ با حضور اسرائیل، مصر و قبرس با هدف ایجاد یک خط لوله ۱۲۰۰ مایلی است که از طریق وکرت به اروپا متصل می‌شود پرداخته و در آخر نتیجه می‌گیرد میدان گازی لوباتان می‌تواند در روابط اسرائیل با اتحادیه اروپا نقش بسزایی داشته باشد.

بزرگمهری (۱۳۹۹) در مقاله روابط ترکیه و اسرائیل در دو دهه اخیر بیان می‌کند که روابط دو کشور به رغم بروز تغییرات سیاسی در ترکیه و روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه که دارای ماهیت است، این روابط هم چنان ادامه یافته است و طبق نتیجه این پژوهش در شرایط فعلی ترکیه و اسرائیل سیاست اتحاد و همکاری خود را ادامه می‌دهند، هر چند که این اتحاد از انسجام کافی برخوردار نیست.

میرحسینی، قیمی‌بشنو (۱۳۹۹). در مقاله بررسی پیامدهای اقتصادی - فرهنگی روابط ترکیه و اسرائیل بر منطقه خاورمیانه از سال ۲۰۰۷ - ۱۹۹۰، به بررسی و برقراری روابط اقتصادی و فرهنگی ترکیه و اسرائیل با هدف ایجاد ثبات و رشد اقتصادی و کاهش تنش‌های سیاسی و پیامدهای آن بر منطقه خاورمیانه می‌پردازد. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که اسرائیل با هدف توسعه و گسترش رشد اقتصادی به

دنبال ایجاد هژمونی اقتصادی و تلاش برای منزوی ساختن ایران در منطقه اقدام به گسترش روابط با ترکیه نمود و از سوی دیگر تلاش نمود تا از طریق رابطه با ترکیه، شوک ناشی از تغییرات فرهنگی در خاورمیانه را کاهش داده و سبب کاهش هزینه‌های عادی سازی روابط دولت‌های عربی و اسرائیل شود. دمیریول (۲۰۱۸) در مقاله مقایسه امنیت و رفاه: ترکیه و چشم اندازه‌های همکاری انرژی در شرق مدیترانه به بررسی تضاد بین دیدگاه‌های لیبرال و رئالیستی در مورد وابستگی متقابل استفاده می‌کند تا میزانی را که منافع اقتصادی مشترک می‌تواند همکاری سیاسی را در منطقه‌ای پر مناقشه تسهیل کند پرداخته و نتیجه می‌گیرد استراتژی ترکیه در دریای مدیترانه شرقی این گزاره را تأیید می‌کند که وقتی دولت‌ها امنیت را بر رفاه اولویت می‌دهند، احتمالاً به تشدید تنش‌های سیاسی ادامه می‌دهند حتی اگر این امر دستاوردهای اقتصادی ناشی از همکاری را به خطر بیندازد.

استرجیو (۲۰۱۶) در مقاله روابط ترکیه - قبرس - اسرائیل و مناقشه قبرس بیان می‌کند با کشف ذخایر گاز طبیعی در اسرائیل و مناطق انحصاری اقتصادی مجاور قبرس، پایه‌های همکاری گسترده‌ای بین تل‌آویو و نیکوزیا را در زمینه‌های اقتصادی، انرژی و دفاعی ایجاد گردید، اما چالش‌های بزرگی را نیز رونمایی کرد. مشکل قبرس درگیر اختلافات بین‌المللی گسترده‌تر بر سر انرژی فرا ساحلی و افزایش تنش‌های اسرائیل و ترکیه شد به بررسی پیشینه روابط ترکیه - قبرس - اسرائیل و همچنین برخی پارامترهای سیاسی و اقتصادی ژئوپلیتیک می‌پردازد. به طور کلی مروری بر ادبیات پژوهش نشان می‌دهد اگرچه پژوهش‌ها و تحقیقات ارزشمندی به زبان‌های انگلیسی، فارسی و ترکی در زمینه‌های تحولات حوزه دریای مدیترانه و یا روابط ترکیه و اسرائیل انجام شده است، اما تاکنون پژوهشی که به صورت مستقل به بررسی تاثیر تحولات حوزه دریای مدیترانه در آینده روابط ترکیه و اسرائیل بپردازد وجود نداشته و همین امر اهمیت و ضرورت نگارش پژوهش را نشان می‌دهد.

متعدد ذهنی و عینی به وجود آمده است. یکی از بارزترین نمونه‌های این امر را می‌توان در مسئله گروه‌ها و فلسطینی‌ها و ترک‌ها و یونانی‌های قبرس اقلیت‌های قومی نسبت به دولت‌های منطقه مدیترانه دانست که تأثیر شگرفی بر روند تحولات امنیتی منطقه بر جای نهاده است.

۳-۴. تأثیر همجواری در ایجاد مجموعه امنیتی مدیترانه

شرایط جغرافیایی منطقه مدیترانه به گونه‌ای است که به خوبی می‌توان معیار «مجاورت» را به عنوان یکی دیگر از معیارهای وجود یک مجموعه امنیتی منطقه‌ای تمیز داد. کنش و واکنش دولت‌های منطقه نسبت به یکدیگر در قالب الگوهای دوستی و دشمنی و نیز توازن قدرت، نگرش‌های متفاوت هر دولت نسبت به محیط پیرامونی خود و رابطه آن با شدت تهدیدات سیاسی و نظامی را می‌توان در میان تحولات دو دهه اخیر منطقه به روشنی مشاهده نمود.

۳-۵. شرایط بازیگران مؤثر در مدیترانه

«وجود حداقل دو بازیگر مؤثر» یکی از مهم‌ترین معیارهای بوزان در تعریف و قدرت یک مجموعه امنیتی منطقه‌ای است. در تطبیق این معیار با شرایط حوزه دریای مدیترانه در دو حالت امکان‌پذیر است. نخست اگر به این مسئله در چهارچوب تحولات درونی منطقه حوزه مدیترانه نگریسته شود، دو کشور اسرائیل و ترکیه را می‌توان با توجه به هم سطح بودن نسبی قدرت سیاسی، نظامی و اقتصادی به عنوان بازیگران مؤثر منطقه این حوزه به شمار آورد. روند تحولات منطقه نیز حاکی از آن است که هر دو کشور یاد شده توان پویا و تأثیرگذاری خاص خود را بر پویا‌های امنیتی منطقه دارا هستند. دوم اینکه در چهارچوبی وسیع‌تر و با در نظر گرفتن قدرت‌های پیرامونی و فرامنطقه‌ای (چین، روسیه، ایالات متحده آمریکا و اتحادیه اروپا) به عنوان بخشی از مجموعه امنیتی مدیترانه به این موضوع نگریسته شود. در این حالت نیز به دلیل انطباق نسبی مجموعه‌های امنیتی با واقعیت‌های جغرافیایی و نیز وجود الگوهای دوستی

۳. چارچوب نظری

۳-۱. مدیترانه یک مجموعه امنیتی منطقه‌ای

مدیترانه به عنوان یک نظام منطقه‌ای ذاتاً باز تعریف می‌شود که بر مبنای آن تحولات کلان نظام بین‌الملل و سیاست قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای با نفوذ در این منطقه بر روند تحولات آن تأثیر گذار هستند. در این راستا الگوهایی که در طی دو دهه اخیر از سوی کشورهای منطقه و خارج از آن برای ایجاد یک نظام امنیت منطقه‌ای پیشنهاد شده است. خوبی گویای باز بودن ذاتی منطقه مدیترانه به عنوان یک نظام منطقه‌ای و به عبارتی بهتر یک مجموعه امنیتی منطقه‌ای است. این الگوها شامل:

- الگوی مدیترانه‌ای یعنی همکاری امنیتی میان کشورهای مدیترانه مانند طرح ۵+۵ در مدیترانه
- الگوی همکاری‌های منطقه‌ای فراگیرتر که در آن کشورهای حوزه جنوب مدیترانه همکاری امنیتی با کشورهای همسایه قرار می‌گیرند.

۳-۲. منطقه مدیترانه و وابستگی متقابل امنیتی

منطقه مدیترانه به دلیل شرایط حادث شده به عنوان منطقه‌ای که مفهوم وابستگی متقابل امنیتی میان واحدهای آن صدق می‌کند، تعریف می‌شود. در واقع شکل و ماهیت روندها و چالش‌های امنیتی در این منطقه به ویژه شرایط ژئوپلیتیک، ژئواستراتژیک و ژئواکونومیک به خصوص در حوزه انرژی به گونه‌ای است که در یک وابستگی امنیتی، واحدهای تشکیل دهنده این مجموعه امنیتی به هم وابسته‌اند، به طوری که هر تحول در یکی از واحدهای آن پدید آید، در نقطه دیگری تأثیرگذار است. این امر در سطوح مختلف قابل شناسایی است.

۳-۳. الگوهای دوستی و دشمنی در مدیترانه

سیاست‌ها و عملکرد دولت‌های منطقه با یکدیگر و جریان‌ها و گروه‌های فروملی و نیز قدرت‌های منطقه‌ای و بین‌المللی حاکی از وجود احساس تهدید و یا ترس متقابل است که در نتیجه ترکیب عوامل

انرژی دست پیدا کند. امروزه دسترسی به انرژی ارزان حیاتی بوده است، امنیت انرژی از جمله مواردی است که مستقیماً بین امنیت ملی و در دسترس بودن منابع طبیعی برای مصرف انرژی ارتباط دارد. فراز و نشیب در قیمت نفت خام باعث تغییرات شگرف در اقتصاد جهانی، بودجه هر خانواده، هزینه‌های هر کارخانه و بی‌ثباتی، آسیب‌پذیری یا شکوفایی کشورهای تولید کننده و مصرف کننده می‌گردد. هر متقاضی دریافت انرژی برای اینکه امکان برنامه‌ریزی برای آینده را داشته باشد، لاجرم به جریان مداوم و درازمدت انرژی می‌اندیشد. تلاش برای یافتن روش‌هایی با بازدهی بیشتر و مصرف کمتر، گامی برای حفظ محیط طبیعی و بقای بشر در آینده است. بنابراین، امنیت انرژی به عرضه مداوم و مطمئن با قیمت‌های معقول در حامل‌های انرژی باز می‌گردد و در صدد کاهش تهدیدات ژئوپلیتیکی، اقتصادی، تکنیکی، زیست محیطی و روانی ناظر بر بازارهای انرژی است (ملکی، ۱۳۹۶: ۱۸).

منابع عظیم گاز در دریای مدیترانه نیز می‌تواند بخش مهمی از تغییر ژئوپلیتیک انرژی از نفت به گاز محسوب شود. توسعه میادین و انگیزه بازیگران دولتی برای استخراج و صادرات منابع گاز طبیعی در دریای مدیترانه باعث شده منطقه انرژی در دریای مدیترانه شکل بگیرد.

از اواخر دهه ۱۹۹۰ کشف منابع هیدروکربنی دریای مدیترانه (برای مطالعه بیشتر به پی‌نوشت شماره ۲ رجوع شود) به شدت افزایش یافته است، اکتشافات گازی بزرگ در سواحل اسرائیل و قبرس بین سالهای ۲۰۰۹-۲۰۱۱ (در میدان‌های لوباتان و آفرودیت)، در سواحل مصر در سال ۲۰۱۵ و در میدان زهر می‌تواند تأثیر دگرگون‌کننده‌ای بر سیاست امنیت انرژی کل منطقه و فرامنطقه‌ای داشته باشد (پرونترا و زلال، ۲۰۱۷: ۱۴۶-۱۴۵).

بنابراین با توجه به اینکه اکتشافات نفتی و گازی در مدیترانه مراحل اولیه خود را سپری می‌کنند، اما به طور قطعی در مورد تأثیر اکتشافات نفتی و گازی در مدیترانه در بازار انرژی جهانی در کوتاه مدت نمی‌توان اظهار نظر کرد. ولی اگر روزی مدیترانه به یک منطقه

و دشمنی و نیز توازن قدرت، باز هم می‌توان شاهد حداقل دو بازیگر قدرتمند و مؤثر در کنار بازیگران کوچک و ضعیف مانند یونان و قبرس بود. همچنین روند تحولات منطقه نشان می‌دهد تنها هنگامی بازیگران کوچک تهدید کننده منافع یک قدرت بزرگ بوده و هستند که اتحاد استراتژیک با یک قدرت بزرگ دیگر را در دستور کار خود قرار داده‌اند.

۶.۳. نفوذ قدرت‌های فرامنطقه‌ای

رویارویی‌ها و رقابت‌های بین‌المللی در دریای مدیترانه، این منطقه را به یکی از کانون‌های بحران جهانی در یک دهه گذشته تبدیل کرده است. جنگ یک دهه اخیر در سوریه و لیبی، رویارویی سنتی میان یونان، ترکیه و قبرس، ایجاد پایگاه دائمی نظامی روسیه در شرق مدیترانه، عبور و مرور پناهندگان به اروپا، مسیر ترانزیت کانال سوئز و تنگه جبل‌الطارق و اکتشاف‌های تازه منابع گاز طبیعی، همگی این منطقه را در شرق و جنوب اروپا، شمال آفریقا و غرب آسیا به محل رقابت قدرت‌های جهان تبدیل کرده است. در حال حاضر مدیترانه در یک دوران بی‌نظمی به سر می‌برد که هیچ قدرت مسلطی در آن وجود ندارد، اما تحولات پیش رو به سمتی می‌رود که با تشکیل ائتلاف‌ها و اتحادها و مشخص شدن نتایج رویارویی‌ها در منطقه، یک نظام جدید براساس تقسیم منافع استراتژیک و ژئوپلیتیک دریای مدیترانه میان قدرت‌های جهانی (ایالات متحده، اتحادیه اروپا، روسیه و چین) و منطقه‌ای (ترکیه، اسرائیل، مصر) در این دریا حاکم شود.

۴. متغیرهای رقابت و مناقشه در دریای مدیترانه

۴-۱. منابع هیدروکربنی

حیات کنونی بشر وابسته به انرژی است و انرژی محرکه تمام فعالیت‌های صنعتی، کشاورزی، خدماتی و غیره می‌باشد. در جهان کنونی مهمترین منبع انرژی، انرژی هیدروکربنی است، اگر چهار دهه‌های اخیر توجه ویژه‌ای به انرژی هسته‌ای شده است اما نتوانسته است سهم عمده‌ای در میان دیگر حامل‌های

به مقام بین‌المللی بستر دریاها پرداخت نماید. این میزان از یک درصد در سال ششم به هفت درصد در سال دوازدهم و در سال‌های بعد از آن افزایش می‌یابد. به طور کلی به نظر می‌رسد بهره‌برداری از فلات قاره (به مفهوم حقوقی آن) به گونه‌ای قانونمند شده است که دولت‌های توسعه یافته دارای فناوری برتر بتوانند از بهره‌وری بیشتری برخوردار باشند (پیشگاهی فرد، ۱۳۹۷: ۲۰-۱۹).

ریشه این اختلافات به پیمان لوزان در سال ۱۹۲۳ برمی‌گردد، لذا می‌توان گفت مدیریتانه منطقه‌ای نسبتاً پرمنازعه از نظر تحدید آب‌های سرزمینی، فلات قاره و منطقه انحصاری اقتصادی است. بنابراین حد ۲۰۰ مایلی که در آب‌های آزاد برای منطقه انحصاری اقتصادی کشورها در حقوق بین‌الملل و حقوق دریاها لحاظ شده است، در مورد دریای مدیترانه عملاً امکان اجرایی ندارد. به عبارت دیگر هر کشوری که درصد لحاظ این محدوده ۲۰۰ مایلی برای منطقه انحصاری خود باشد، با سواحل کشور همسایه خود تداخل پیدا می‌کند و این امر مشکل را بسیار پیچیده‌تر می‌کند.

۴-۳. مجمع گازی مدیترانه شرقی (EMGF)

وزرای انرژی اسرائیل، مصر، قبرس، یونان، ایتالیا، اردن و تشکیلات خودگردان فلسطین در ژانویه ۲۰۱۹ مجمع گاز شرق دریای مدیترانه را برای همکاری فیما بین خود تأسیس کردند تا بتوانند از ذخایر گازی دریای مدیترانه استفاده کنند. در آن زمان، به ترکیه، سوریه و لبنان اجازه داده نشد که در این مجمع شرکت داشته باشند (ماتولوچی: ۲۰۲۰).

براساس این ائتلاف، با عملیاتی شدن پروژه خط لوله «ایست‌مد» که تصمیم نهایی درباره سرمایه‌گذاری در آن تا سال ۲۰۲۲ گرفته خواهد شد، حدود ۱۰ میلیارد مترمکعب گاز طبیعی از طریق یونان و ایتالیا به اتحادیه اروپا منتقل می‌شود. کشورهای عضو این مجمع نه تنها متعهد شده‌اند به قوانین بین‌المللی احترام بگذارند، بلکه اعلام کرده‌اند برای تبدیل شدن به یک منطقه ویژه برای تأمین گاز جهانی تلاش کنند (یرانیان: ۲۰۲۲).

حذف تشکیلات خودگردان فلسطین از این مجمع

بزرگ تولید نفت و گاز طبیعی تبدیل شود، آن وقت تأثیر آن بر روی محاسبات انرژی جهان زیاد خواهد بود.

۴-۲. مناقشات دریایی

کنوانسیون حقوق دریاها در سال ۱۹۸۲ توسط سازمان ملل متحد با هدف تعیین حقوق و مسئولیت‌های کشورهای عضو در رابطه با استفاده از آب دریاها (مقاصد تجاری، منابع طبیعی و محیط زیستی) بوجود آمد. کشورهای که دارای دریاها و دریاچه‌های مشترک با همسایگان خود باشند، با مسائل خاص مرزی مواجه هستند. تعیین مرز دریایی کشورها، برخلاف آنچه از ظاهر امر بر می‌آید، کار آسانی نیست؛ حتی در اغلب مواقع تیرگی روابط بین دولت‌ها ناشی از اختلاف آن‌ها بر سر افزایش مناطق دریایی آن‌هاست. هر کشوری محق است بر بخشی از آب‌های ساحلی خود حاکمیت داشته باشد و در نتیجه حق کشتیرانی آزاد، ماهیگیری یا بهره‌برداری از منابع بستر آن از سایر دولت‌ها سلب می‌شود (میرحیدر، ۱۳۷۱: ۲۲۹).

در محدوده دویست مایلی: نخست کشور ساحلی دارای حقوق حاکم برای اکتشاف فلات قاره و بهره‌برداری از منابع طبیعی آن است. دوم اینکه این حقوق انحصاری است و هیچ کشور دیگری بدون جلب رضایت دولت ساحلی نمی‌تواند اقدام به فعالیت‌های فوق کند و سوم اینکه حقوق مربوط منوط به اشغال یا اعلام دولت ساحلی نیست، بلکه ذاتاً به دولت ساحلی تعلق دارد.

در خارج از محدوده دویست مایلی: نخست اینکه موجودات ساکن تحت حقوق دولت ساحلی‌اند، ولی موجودات غیر ثابت در این محدوده تابع نظام آزادی ماهیگیری به عنوان بخشی از دریای آزاد هستند. دوم اینکه بهره‌برداری از منابع غیر زنده تابع محدودیت‌های بیشتری براساس کنوانسیون ۱۹۸۲ است و چنانچه دولت ساحلی بخواهد از این منابع بهره‌برداری کند (با توجه به اینکه حق انحصاری برای بهره‌برداری دارد)، باید قسمتی از ارزش یا حجم تولید در آن بخش را بعد از پنج سال اول بهره‌برداری

تضاد شده و تنش‌های جدیدی میان تل‌آویو و آنکارا ایجاد کند (آخرین تحولات در پرونده ایست-مد: ۱۳۹۹).

اتحادیه اروپا، یک واردکننده انرژی است که برای تامین به کشورهای تولید کننده و ترانزیت متکی است. عمده واردات نفت و گاز اتحادیه اروپا از مناطق همسایه است. برای گاز، اتحادیه اروپا عمدتاً به روسیه متکی است که ۳۸ درصد از واردات خود را تامین می‌کند. گاز طبیعی ممکن است با توجه سازگاری با محیط زیست در آینده میان دیگر انرژی‌های فسیلی آینده درخشانتری را داشته باشد، با توجه به واردات خود از روسیه، اتحادیه اروپا ممکن است به دنبال جایگزین‌هایی برای تنوع بخشیدن به منابع تامین خود باشد. اکتشافات اخیر در مدیترانه به اتحادیه اروپا، امکان جایگزینی را می‌دهد. اکتشافات عظیمی در سواحل مصر، اسرائیل و قبرس انجام شده است و اکتشافات دیگری در یونان و لبنان ممکن است در راه باشد. اتحادیه اروپا قصد دارد «حلقه دوستان» را ایجاد کند و کشورهایی را که به دنبال روابط نزدیک با اتحادیه اروپا هستند جذب کند. نشست مهم اخیر در بین رهبران یونان، قبرس و اسرائیل حمایت از پروژه خط لوله گاز ایست مد را بود. این پروژه که از نظر مالی و سیاسی توسط کمیسیون اروپا حمایت می‌شود، پیشنهاد می‌کند سالانه ۸ تا ۱۶ میلیارد متر مکعب گاز طبیعی از طریق یک خط لوله - به طول بیش از ۱۹۰۰ کیلومتر و با عمق در برخی مکان‌های بیش از ۲۰۰۰ متر در سراسر مدیترانه منتقل شود. این خط لوله با هزینه بیش از ۶ میلیارد یورو در مرحله اول گاز اسرائیل و قبرس را به یونان منتقل می‌کند و جایگزین خوبی برای گاز روسیه به اتحادیه اروپا می‌باشد. (چالش‌های یک خط لوله: ۲۰۱۷).

۴-۴-۲. خط انتقال انرژی ترک استریم

ساخت ترک استریم، مانند نورد استریم بخشی از استراتژی تنوع حمل و نقل گازپروم است که نشان دهنده تمایل دولت روسیه به پشتیبانی از آن است. ایجاد یک مسیر جدید برای تحویل گاز روسیه به جنوب اروپا و غرب ترکیه، کاهش وابستگی به انتقال

که پس از تبدیل شدن آن به یک سازمان منطقه‌ای در سال ۲۰۲۰ صورت گرفته، در راستای تحولات جدید و عمق بخشی به عادی‌سازی روابط بین مصر و کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس با اسرائیل است. پیوستن امارات به این مجمع گازی به معنای آن است که همه چیز در منطقه در حال تغییر است. بسیاری از کشورهای عربی و اروپایی از جمله مصر و امارات متوجه شده‌اند که تهدید آنکارا بیش از حد خطرناک است و با اقدامات جداگانه نمی‌توان رقباهای اردوغان را مهار کرد و این مسئله بیش از هر چیزی به هماهنگی احتیاج دارد (پیام‌های سیاسی پیوستن امارات به مجمع گاز مدیترانه شرقی: ۱۳۹۹). بنابراین مسئله مدیترانه نیز به تنش‌ها میان مثلث ترکیه-اسرائیل-مصر که پیش از این در مسئله قبرس نیز مطرح بود بدون آنکه راه‌حلی برای آن ارائه شود، افزوده شده است.

۴-۴-۳. رقابت خطوط لوله ایست مد و ترک استریم

۴-۴-۱. خط انتقال انرژی ایست مد

روند کنونی تحولات نظام بین‌المللی بیانگر این است که کشوری نقش قدرت برتر جهانی را در سده بیست و یکم بازی خواهد کرد که بتواند بر منابع و خطوط انتقال انرژی جهان به ویژه نفت و گاز تسلط داشته باشد.

در حال حاضر ارزیابی‌های دریایی و زمینی برای اطلاع از روند خطوط انتقال در جریان است؛ خطوط انتقالی که طول آن ۱۹۰۰ کیلومتر خواهد بود. اتحادیه اروپا و مالک خط لوله آبی.جی.آی بوسایدون (که طرحی مشترک بین شرکت گاز یونانی «دیبا» و گروه انرژی ادیسون ایتالیا است) ۳۵ میلیون یورو در اقدامات برنامه‌ریزی هزینه می‌کنند. قرار است سالانه این خط لوله ۱۰ میلیارد متر مکعب از گاز را با قابلیت دسترسی گسترده در نهایت امر، انتقال دهد. اهمیت این خط لوله بجز منافع اقتصادی آن تأثیرگذاری بر ژئوپلیتیک انرژی و نیز همکاری‌های مبتنی بر بستر دریا در مدیترانه می‌باشد و لذا ممکن است با سیاست همکاری حکومت «فایز السراج» در لیبی و ترکیه دچار

استان سین کیانگ چین شروع و از آنجا به قرقیزستان، ازبکستان و سپس به بندر ترکمن باشی در ترکمنستان و آذربایجان می‌رسد. از آنجا به گرجستان، سپس به ترکیه و از آنجا به اروپا و سایر نقاط جهان منتقل می‌شود.

در سال ۲۰۱۳ چین طرح «کمر بند و جاده» را آغاز کرد که شامل دو کریدور تجاری است. اولی «کمر بند اقتصادی جاده ابریشم» است که از آسیای مرکزی، ایران و ترکیه می‌گذرد تا به اروپا برسد. دومی یک مسیر آبی است که به «جاده ابریشم دریایی» معروف است که از دریای چین جنوبی سرچشمه گرفته، سپس اقیانوس هند و دریای سرخ و به دریای مدیترانه می‌رسد. طرح چین در حال حاضر با مشکل بزرگی مواجه است که اولین آن انزوای روسیه توسط غرب می‌باشد و به همین دلیل در طرح جاده ابریشم نمی‌توان به آن تکیه کرد. بنابراین، چین بدش نمی‌آید که توسعه «کریدور میانی» را تسهیل کند، زیرا این کریدور چین را از طریق دریای خزر به آذربایجان و از آنجا به گرجستان و سپس ترکیه با هزینه کمتر و در زمان کوتاه‌تر می‌رساند.

۴-۵-۲. کریدور شرق - غرب

کریدور هند-عرب-مدیترانه‌ای که جزو بزرگترین پروژه‌های ژئواکونومیک در سطح بین‌الملل به شمار می‌آید، بنادر بمبئی و جواهر لعل نهرو از هند را به بنادر جبل علی دبی، حیفا اسرائیل و پیرئوس یونان متصل می‌کند. به طور کلی این کریدور تجاری چندوجهی که منطقه اقیانوس هند را از طریق غرب آسیا به مناطق مدیترانه مرتبط می‌سازد؛ متمرکز بر فعالیت‌های اقتصادی-تجاری است. بی‌شک پیمان ابراهیم که در سال ۲۰۲۰ به امضا رسید توانست همکاری‌های مشترک منطقه‌ای را بین اسرائیل، امارات متحده عربی و سایر کشورهای عربی مهیا سازد و شرایط ایجاد این کریدور را تسهیل نماید (جاجاتی: ۲۰۲۲).

به هر حال کریدور هند-عرب-مدیترانه‌ای می‌تواند رقیبی قدرتمند برای طرح کمر بند-جاده چین همچنین کریدور بین‌المللی شمال-جنوب باشد

گاز از طریق اوکراین به اروپا را به دنبال داشته و هدف تأمین گاز کشورهای ترکیه و جنوب شرق اروپا است. خط لوله دوم ساحلی آن می‌تواند به مرز بلغارستان و ترکیه یا در مرز یونان و ترکیه برسد. کل قسمت دریایی، یعنی دو خط لوله در زیر دریای سیاه را شرکت ترک استریم ایجاد نموده و مالک آن می‌شود. اولین خط لوله دریای ترک استریم اتصال ترمینال دریافت کننده با سیستم انتقال ترکیه (برای تأمین بازار ترکیه) توسط شرکت ترکی (صد درصد دولتی) بوتاش ساخته و پرداخت شد.

خط لوله ترک استریم با ظرفیت انتقال ۳۱.۵ میلیارد مترمکعب گاز روسیه را در دو مسیر جداگانه به ترکیه و دیگری به کشورهای بلغارستان، صربستان و مجارستان انتقال می‌دهد. ترک استریم برای روسیه که در ماه گذشته پروژه خط لوله «قدرت سیبری» عظیم گاز سیبری را افتتاح کرده است، موفقیت دیگری در افزودن مسیرهای صادراتی گاز محسوب می‌شود (رضوی، ۱۴۰۰: ۲۱۲).

بنابراین مسیرهای انتقال انرژی همواره محل رقابت‌های قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای بوده است. ثبات و امنیت در این مناطق رابطه مستقیمی با امنیت انرژی و امنیت ملی کشورهای مصرف کننده انرژی دارد. لذا کشورهای مصرف کننده انرژی از همه ابزار موجود برای تداوم ثبات در این منطقه و رفع تنش‌های احتمالی بین کشورهای منطقه بهره می‌گیرند.

۴-۵-۵. رقابت کریدورها

۴-۵-۱. کریدور میانی

کریدور میانی مسیری است که چین و آسیای مرکزی را از طریق قزاقستان، دریای خزر، جمهوری آذربایجان و گرجستان به اروپا متصل می‌کند، این کریدور، جایگزین «کریدور شمالی» که خط اتصالی چین به اروپا از طریق روسیه است، می‌باشد. این کریدور علاوه بر «کریدور جنوبی» و «کریدور شمالی» در زمره سه کریدور تجارت جهانی چین و اروپا به شمار می‌رود و مسیر آن به صورت جاده‌ای و ریلی و مابقی آن مسیر دریایی است. این کریدور از

روابط غرب با جهان عرب باقی خواهد ماند؛ دلیل چهارم این است که تصور می‌شود برخی کشورها در منطقه مدیترانه به سلاح‌های کشتار جمعی دست پیدا می‌کنند؛ دلیل پنجم امنیت انرژی است، زیرا ۶۵ درصد از واردات نفت و گاز طبیعی اروپا از دریای مدیترانه عبور می‌کند که روزانه ۳۰۰۰ کشتی از آن عبور می‌کنند؛ ششمین دلیل اختلاف اقتصادی و ارتباط نزدیک آنها با مهاجرت است، و تأکید می‌کند که از سال ۱۹۸۶ درآمد سرانه در کشورهای خاورمیانه و آفریقای شمالی سالانه دو درصد کاهش یافته است، در حالی که رشد جمعیت در منطقه ۲٫۵ درصد در سال است (رابستون: ۲۰۰۲).

بنابراین می‌توان نتیجه گرفت ناتو همچنان در مدیترانه دست بالا دارد، اما در سال‌های اخیر به تدریج شاهد تضعیف اتحاد در ناتو هستیم. اروپایی‌ها نیز با تشکیل سازمان دفاعی پسکو در ۲۰۱۷ و همچنین گروه دیالوگ مدیترانه‌ای در ۱۹۹۴، تا بتوانند از منافع کشورهای اروپایی در مدیترانه و امنیت قاره اروپا دفاع کنند.

۴-۶-۲. روسیه

اوج‌گیری تمایلات نوآراسیایگرایی در روسیه پس از دوران کوتاه غرب‌گرایی بوریس یتسین نویدبخش ایفای نقش قدرت بزرگ و بازیابی جایگاه از دست رفته به واسطه شکل‌دهی به نظام چندقطبی‌گرایی با سازوکار موازنه قدرت است. رویارویی روسیه به هژمونی آمریکا در دامنه جنوبی کشورهای ناتو، ضرورت ایفای نقش رهبری در ائتلاف‌های نظامی منطقه‌ای در ژئوپلیتیک شرق مدیترانه برای حراست از حیاط خلوت روسیه در دریای سیاه را اجتناب‌ناپذیر کرده است. در این راستا بحران سوریه فرصتی کم‌نظیر برای توسعه‌طلبی ژئوپلیتیک و پیشروی به سوی پایگاه‌های نظامی سابق در کشورهای ساحلی و شرق و جنوب شرق مدیترانه برای دستیابی به موازنه قدرت در جنگ سرد جدید است. رویکرد تهاجمی روسیه در دفاع از تنها متحد سنتی (سوریه) در شرق مدیترانه گام مهمی برای تغییر موازنه قدرت به نفع منافع راهبردی بلندمدت در حوزه مدیترانه است. (اطهری و بختیاری جامی، ۱۳۹۹:

طوری که هند می‌تواند به جای بندر چابهار ایران به بنادر امارات متحده عربی اتکاء کند (اهمیت کریدور هند-عرب-مدیترانه: ۲۰۲۲). در این راستا شرکت بین‌المللی لجستیک دبی سرمایه‌گذاری هنگفتی در زیرساخت‌های بندری هند به ویژه در سواحل غربی هند انجام داده است تا بندر جبل علی و بندر بمبئی را به یکدیگر متصل نماید.

در نهایت می‌توان گفت، کریدورها در بهبود جایگاه کشورها اهمیت ویژه‌ای دارد. بسیاری از کشورها به هر طریقی سعی در مشارکت، پیوند و تسلط حاکمیتی بر این کریدورها از طریق میزبانی از مسیر عبور آنها دارند، تا ضمن بهره‌برداری اقتصادی و مالی، نقش و قدرت اثرگذاری خود را در معادلات منطقه‌ای و بین‌المللی افزایش دهند.

۴-۶-۱. تقابل قدرتهای فرامنطقه‌ای در مدیترانه ناتو

مطمئناً ناتو همیشه به دریای مدیترانه و محاسبات امنیتی مختلف آن توجه داشته است. به عبارت دقیق‌تر، ناتو منطقه مدیترانه را محلی برای رویارویی احتمالی شرق و غرب در طول دهه‌های طولانی جنگ سرد تلقی کرده است. موسو توضیح می‌دهد که «این منطقه تشکیل شده است از جناح جنوبی ناتو و کریدور ضروری غرب و شرق که از طریق آن می‌توان بر خاورمیانه و آسیای میانه قدرت‌افکنی کرد و باید از نفوذ شوروی در امان بماند.» (موسو، ۲۰۰۶: ۲۴۰).

لرد رابرتسون در توضیح بیشتر، شش دلیل اصلی را بر می‌شمارد که مدیترانه را به یک منطقه مورد دغدغه ناتو تبدیل می‌کند: دلیل اول، پتانسیل بی‌ثباتی آن است، زیرا بسیاری از بحران‌هایی که ناتو را تحت تأثیر قرار داده‌اند، به طریقی از مدیترانه و اطراف آن نشات گرفته‌اند؛ دلیل دوم تروریسم است، به ویژه با توجه به اینکه منطقه، به دلیل بسیاری از مسائل سیاسی، اجتماعی و مذهبی حل نشده، به ویژه در معرض این تهدید قرار دارد؛ سومین دلیل این است بدون دستیابی به موفقیت در روند صلح خاورمیانه، یک مانع بزرگ در جهت عادی سازی

ساخته و در یک دوره ۲۵ ساله مدیریت شود. سرمایه گذاری تجاری چینی‌ها را نمی‌توان به عنوان یک تهدید ارزیابی کرد. آن‌ها در چارچوب پروژه ۴ تریلیون دلاری راه‌بریشم جدید بسیاری از زیرساخت‌ها و شبکه حمل و نقل کشورهای مختلف را در جهت اتصال به یکدیگر نوسازی و توسعه داده‌اند. (وحشت واشنگتن از ورود چین به مدیترانه: ۱۴۰۰).

بنابراین با حضور چین در مدیترانه، ضمن بهبود معماری امنیتی ترنس آتلانتیک رهبران اروپا و ایالات متحده آمریکا باید از فرصت‌ها برای تعامل و همکاری بیشتر استفاده کنند. ترنس آتلانتیک قدرتمند، پیش نیاز رویارویی با پکن در آبهای مدیترانه خواهد بود.

۴-۷. رقابت‌های تسلیحاتی

خلاء قدرت و گسترش وضعیت آنارشیک در هر منطقه، معمولاً هر کشوری تلاش می‌کند قدرت نظامی خود را افزایش دهد، این امر می‌تواند در قالب تسلیحات و تجهیزات جنگی، پرسنل نظامی و قدرت دفاعی باشد بنابراین هیچ کشوری تمایل به عقب ماندن از سایر کشورها را ندارد، لذا رقابت تسلیحاتی شکل می‌گیرد.

در مورد مدیترانه می‌توان گفت که این منطقه بنا به موقعیت ژئوپلیتیک، شرایط ژئواکونومیک و بحران‌های منطقه‌ای از جمله مناطق راهبردی در سیستم بین‌الملل می‌باشد که بیشتر واحدهای آن با معمای امنیت و بحران قدرت مواجه هستند، وارد فاز جدیدی شده است. بنابراین کشورهای این منطقه با اهدافی همچون، افزایش قدرت خود و تأثیرگذاری بر سایر واحدها و نیز ایجاد بازدارندگی بر افزایش توان نظامی خود تأکید داشته و به خصوص در یک دهه اخیر با توجه به حجم بالای واردات تسلیحات، افزایش هزینه‌های نظامی و مدرن سازی نیروی نظامی و دریایی (به خصوص توسعه صنایع پهپادی، موشکی و دریایی) وارد مسابقه‌های تسلیحاتی گشته اند و اغلب این کشورها زرادخانه‌های سلاح‌های متعارف، سلاح‌های شیمیایی و تسلیحات هسته‌ای غنی دارند. اگر چه کشورهای حاشیه این حوزه هنوز تسلیحات خود را از تولیدکنندگان برتر وارد می‌کنند اما بازیگران تأثیرگذار منطقه همچون ترکیه، اسرائیل و مصر رویای

(۱۴۶).

بنابراین حرکت روسیه را می‌توان دستاورد موفقیت‌آمیز در زمینه مبارزه با تروریسم در سوریه و پیوند نظامی با مصر برای دغدغه‌های امنیتی خود در مدیترانه دانست.

۴-۳. ایالات متحده آمریکا

اهمیت مدیترانه هیچگاه برای ایالات متحده آمریکا از میان نرفته است. یکی از مهم‌ترین رویکردهای واشنگتن مقابله با قدرت و نفوذ چین و روسیه است. چین در حال تلاش است تا سلطه دریایی و اقیانوسی خود را گسترش دهد، آمریکا با تمام تمرکز این تحولات را رصد و برای مقابله با قدرت چین برنامه‌ریزی می‌کند. همزمان واشنگتن چین را یک قدرت تهاجمی ارزیابی می‌کند. در نتیجه ایالات متحده، مدیترانه را رها نخواهد کرد و اهمیت این دریا را درک می‌کند. بنابراین با متحدانش تلاش بیشتری خواهند کرد تا جلوی نفوذ چین و روسیه را در این منطقه بگیرند.

۴-۶. چین

گام‌های بلندی که چینی‌ها برای افزایش نفوذ خود در حیط خلوت سنتی امریکا برداشته‌اند، یک خطر امنیتی برای واشنگتن محسوب می‌شود. توازن قدرت جهانی با حضور چین به عنوان یک بازیگر جدید تا حدودی بر هم خورده است. پکن پس از اعلام اجرای طرح یک کمربند، یک جاده یا راه ابریشم جدید در سال ۲۰۱۳ میلادی به تدریج در حال افزایش سرمایه‌گذاری و تقویت روابط خود با دولت‌های مدیترانه است. چینی‌ها با خرید بنادر این منطقه، هم اکنون بیش از ۱۰ درصد ظرفیت ترمینال‌های کانتینری اروپا را در اختیار دارند. آنها چند توافق نیز با دولت‌های شمال آفریقا برای توسعه زیرساخت‌های راه ابریشم جدید امضاء کرده‌اند. در ژوئن سال ۲۰۱۹ میلادی، شهر حیفا اسرائیل قراردادی ۲۵ ساله با شرکت چینی شانگ‌های اینترنشنال پورت گروپ امضا کرد تا یک بندر دریایی در سواحل مدیترانه توسط چینی‌ها

توسعه صنایع نظامی را در سر می‌پروراند.

۸-۴. ترتیبات امنیتی

رویکرد کشورهای فرمانطقه‌ای و منطقه‌ای علی‌الخصوص اتحادیه اروپا در مدیترانه به این تهدیدات اساساً امنیتی بوده است. آنها از مدیترانه به عنوان کانون تولید و صدور تهدیدات نوین نام می‌برند که باید آن را زیر نظر داشته باشند.

مقامات ناتو نیز مدیترانه را یکی از کانون‌های بی‌ثباتی می‌دانند که امنیت اتحادیه اروپایی را در معرض تهدیدات جدی قرار می‌دهد. زیرا میزان آسیب‌پذیری اتحادیه اروپا به ۳ دلیل بیشتر از ایالات متحده آمریکا است.

۱) اتحادیه اروپا به مدیترانه نزدیک‌تر است؛

۲) تعداد اعراب ساکن اروپا بیشتر از آمریکاست؛

۳) اتحادیه اروپا به انرژی مدیترانه وابستگی شدیدی دارد.

اروپایی‌ها در سال ۱۹۷۸ به طور رسمی پذیرفتند که امنیت اروپا به امنیت حوزه دریایی مدیترانه پیوند خورده است. اتحادیه اروپا صریحاً گفته است شمال آفریقا برای عضویت در این اتحادیه، واجد شرایط نیست اما با هدف ایجاد ثبات در این منطقه به منظور پیش‌گیری از تهدیدهای مهاجرتی، جرایم، تروریسم و قطع جریان نفت و نیز برای سطحی از مشارکت اقتصادی و دریافت کمک مناسب است. جمعیت خاورمیانه بین سال‌های ۱۹۴۵ تا ۱۹۹۵ پنج برابر افزایش یافته و استمرار این رشد سریع، توسعه اقتصادی منطقه را با خطر روبه‌رو کرده است. این مسئله موجب مهاجرت‌های گسترده به اروپا می‌شود و مشکلات امنیتی آن را دامن می‌زند. صریح‌ترین شیوه اظهارنظر در این خصوص در ناتو صورت می‌گیرد که از خاورمیانه به ویژه حوزه دریایی مدیترانه، به عنوان منطقه تهدید بالقوه برای اتحادیه اروپا نام می‌برد (بوزان، ۱۳۸۱: ۶۶۵).

از دید اروپا، رفع تهدیدات امنیتی، از طریق کمک‌های اقتصادی میسر است. اتحادیه اروپا در نظر دارد یک منطقه آزاد تجاری «اروپایی-مدیترانه‌ای» تا سال ۲۰۱۰ ایجاد کند. این مسئله در بارسلون در سال ۱۹۹۵ پذیرفته شد (اوتاوای کاروترز، ۲۰۰۴: ۴).

در همین زمینه اتحادیه اروپا در صدد است فرمول نفتا (پیمان کشورهای آمریکای شمالی در زمینه تجارت آزاد) را در مدیترانه پیاده کند. اتحادیه اروپا بر این باور است که چنین الگویی در مدیترانه می‌تواند همانطور که آمریکایی‌ها بر اساس پیمان نفتا در مکزیک سرمایه‌گذاری کرده و ضمن ارتقای سطح زندگی مکزیکی‌ها، از مهاجرت آنان به آمریکا جلوگیری کرده است، اتحادیه اروپا هم می‌تواند به چنین اقدامی مبادرت کند.

اتحادیه اروپا همچنین در چارچوب ناتو طرحی تحت عنوان «ابتکار گفت و گوهای مدیترانه‌ای» را با کشورهای حوزه دریای مدیترانه از سال ۱۹۹۴ آغاز کرده است. اعضای ناتو در چارچوب این طرح، با کشورهای این حوزه، همکاری دارند. این طرح، کشورهای اسرائیل، اردن، مصر، الجزایر، تونس، مراکش و موریتانی را در بر می‌گیرد. همکاری ناتو در چارچوب این طرح، به انجام آزمایش‌های نظامی، عملیات جستجو و نجات، مقابله یا حملات احتمالی با استفاده از سلاح‌های کشتار جمعی و تهدیدات نوین امنیتی از جمله تروریسم محدود است (جعفری ولدانی، ۱۳۹۹: ۱۱۱-۱۱۲).

لذا می‌توان گفت مساله مدیترانه یک بحث جدیدی نیست. اهمیت استراتژیک دریای مدیترانه یک مساله تاریخی است. از قرن‌ها پیش که امپراتوری روم پیرامون این دریا تشکیل شد و بعد از آن با سرنگونی امپراتوری روم و سلطه قدرت‌های مختلف در اطراف این دریا و بعد از آن دوران استعمار و قدرت بریتانیا و فرانسه در دریای مدیترانه. در جنگ‌های جهانی اول و دوم هم نقش استراتژیک دریای مدیترانه بارز بود، به ویژه که با دخالت موسولینی در جنگ به نفع هیتلر، دریای مدیترانه به یک نقطه استراتژیک مهم در جنگ تبدیل شد. بعد از پایان جنگ جهانی دوم و دوران جنگ سرد عملاً سلطه دریای مدیترانه در اختیار بلوک غرب قرار گرفت. در شرایط حاضر که جنگ سرد به پایان رسیده و ترتیبات امنیتی و عوامل این منطقه به دلیل تغییر ماهیت موجود، از دیگر دوران متفاوت‌تر است. در این دوران عوامل امنیتی زیادی وجود داشته، این موارد تهدید عبارتند از تهدیدات تروریسم (داعش و القاعده)،

مشخص کردن حدود دریایی با قبرس و بخشی دیگر از آن ناشی از مشارکت مستقیم دولت‌های منطقه‌ای در بهره‌برداری مشترک با قبرس یونانی بوده است. دولت‌های ساحلی مدیترانه و همچنین ترکیه و اسرائیل عمدتاً به دلیل عدم دسترسی به منابع انرژی در خاک خود، نیازمند واردات انرژی هستند. از این رو دولت‌های این منطقه به دنبال تثبیت سهم خود از برداشت‌های انرژی در سطح منطقه هستند و آینده حیات اقتصادی خود را درگروی این اقدام می‌بینند. ترکیه برای ارتقا جایگاه خود به عنوان مسیر اصلی تجارت گاز و صادرات آن به اروپا نیاز به منابع گازی جدید دارد و به همین منظور با همه مشکلات سر راه اکتشافات جدید و مناقشه با کشورهای حاشیه مدیترانه چون یونان، قبرس و حتی اسرائیل تن به این اقدام داده و وارد جنگ انرژی با این دولت‌ها شده است، دولتمردان ترکیه بر این باور هستند که این امر قدرت ژئوپلیتیک ترکیه را در منطقه و جهان انرژی به خصوص در دوران بحران روسیه و اوکراین می‌تواند افزایش دهد.

۲-۵. رویدادهای تاثیرگذار

- تشکیل اتحادیه مدیترانه؛ در مارس ۲۰۰۸، رئیس دوره‌ای اتحادیه اروپا یعنی اسلواکی اعلام کرد که طرح «اتحاد برای مدیترانه» از سوی شورای اروپا با حمایت گسترده مواجه شده است و زمان آن فرا رسیده که اقداماتی عملی در راستای اجرایی شدن فعالیت‌های این اتحادیه صورت پذیرد. در راستای این تصمیم اتحادیه اروپا، سارکوزی همزمان با عهده دار شدن منصب ریاست دوره‌ای اتحادیه اروپا در نیمه دوم سال ۲۰۰۸، در راستای برطرف کردن هر چه سریع تر اختلافات در سطح کشورهای اروپایی و در جهت هماهنگی هر چه بیشتر میان دول عضو، در ۱۳ ژوئیه ۲۰۰۸ در پاریس نشستی را در جهت اجرایی کردن اتحادیه برای مدیترانه برگزار کرد. نشست مزبور در ۱۳ و ۱۴ ژوئیه ۲۰۰۸ با حضور مقاماتی از کشورهای حاشیه مدیترانه و اتحادیه اروپا در روز باستیل (روز اروپا- مدیترانه) در پاریس برگزار گردید و ۴۴ کشور شرکت کننده در آن، ضمن اینکه روند شکل‌گیری

جنبش‌های جهادی (حزب اله لبنان، حماس و جهاد اسلامی)، گسترش سلاح‌های کشتار جمعی (زرادخانه اتمی اسرائیل)، جنبش‌های اسلام‌گرا (اخوان المسلمین، حزب النهضه)، بی‌ثباتی داخلی (بحران سوریه و لیبی) و منازعات منطقه‌ای و بین‌المللی (نزاع اعراب و اسرائیل) اشاره کرد.

۵. شناسایی روندها و رویدادها

۵-۱. روندهای اصلی حوزه دریای مدیترانه

با به قدرت رسیدن حزب عدالت و توسعه اسلامی در ۲۰۰۰ ترکیه بر اساس برنامه توسعه قدرت دریایی و حاکمیت بر آبه‌ها، همچون دوران عثمانی حرکت می‌کند و بر همین اساس ژنرال‌های ترک مفهوم «میهن آبی» را به خوبی در میان جامعه جاناندازی کرده و با توسل به رسانه‌ها آن را به افکار جهانیان نیز القاء می‌کنند. در این راستا قبرس شمالی به عنوان بخش از میهن آبی برای ترکیه از اهمیت بسیاری برخوردار است. اما با کشف انرژی، حوزه دریای مدیترانه بیش از دو دهه است که درگیر مناقشه‌ای بر سر منابع انرژی و همچنین حدود مرزی در دریای مدیترانه است. این مناقشه زمانی آغاز شد که قبرس برداشت گاز از منابع این محدوده را آغاز کرد. به دنبال این اقدام و با امضای قراردادهای مشخص سازی مناطق دریایی بین رقبای ترکیه از جمله قبرس یونانی و مصر، این مناقشه به مناقشه‌ای منطقه‌ای تبدیل شد که امروز ترکیه، اسرائیل، یونان، قبرس، لیبی و مصر را نیز به خود مشغول کرده است. در اوایل دهه ۲۰۰۰ قبرس یونانی فعالیت خود برای بهره‌برداری از منابع گازی مدیترانه را آغاز کرد و در سال ۲۰۰۳ با مصر قراردادی را در زمینه مشخص کردن حدود دریایی خود با آن کشور امضاء کرد. ترکیه وضعیت فوق را نقض کننده حق خود و قبرس ترکی از بهره‌گیری از منطقه انحصاری دانسته و همچنان معتقد است که حق بهره‌برداری از مناطق فوق را در اختیار دارد؛ اما این مناقشه به مناقشه‌ای میان قبرس یونانی و ترکیه محدود نشد و در طول دو دهه گذشته به سرعت به مناقشه‌ای منطقه‌ای تبدیل شد که بخشی از آن ناشی از همکاری دولت‌های ساحلی در امضای توافق نامه

و تلاش دارد سیاست‌های نئوعثمانی‌گری‌اش را به اجرا درآورد و از سوی دیگر این سیاست‌ها با منافع قدرت‌های اروپایی به ویژه فرانسه در تضاد است. از همین رو، سیاست‌های اخیر دولت ترکیه در قبال لیبی، لبنان، سوریه و مصر و تنش‌های این کشور در مدیترانه و قفقاز باعث حساسیت اروپا و فرانسه شده است. چرا که ترکیه در حال گسترش نفوذ خود در مناطقی از جمله در مدیترانه است که قدرت‌های اروپایی به ویژه فرانسه نسبت به آن حساسیت دارند. در واقع، ترکیه بعضاً نفوذش را در مناطقی گسترش می‌دهد که پیش‌تر منطقه‌ی نفوذ فرانسه بوده است. (دالی، ۲۰۲۱: ۷)

بنابراین فرانسه به ویژه در انتقاد از سیاست‌های تهاجمی ترکیه در مدیترانه بسیار جدی بوده است. در حالی که رقابت بین دو کشور در دریای مدیترانه ارتباط تنگاتنگی با رقابت آنها در لیبی دارد.

- تنش ترکیه و ایالات متحده؛ تصمیم‌گیری ترکیه مبنی بر خرید سامانه دفاعی موشک اس-۴۰۰ از روسیه، نگرانی آمریکا را برانگیخت. واشنگتن استدلال می‌کند که این سامانه روسی با سیستم دفاعی ناتو سازگار نیست، بنابراین قرارداد فروش جنگنده‌های اف-۳۵ به این کشور را لغو کرد. یکی دیگر از موارد تنش‌زا، حمایت واشنگتن از یگان‌های خلق کرد می‌باشد در حالیکه ترکیه آنرا یک گروه تروریستی می‌داند. و در نهایت مخالفت ترکیه با پیوستن سوئد و فنلاند به ناتو و واکنش ایالات متحده با الزام ناو خود به تنگه بسفر می‌تواند سطح تنش و ایالات متحده را افزایش دهد.

۳-۵. پیشران‌های اثرگذار دریای مدیترانه

از مجموع رویدادها و روندهای ذکر شده در مرحله پایش عمودی که اساساً این موارد در قالب ماتریس تاثیر روندها و رویدادها قرار می‌گیرند، پیشران‌های هشت گانه ذیل حاصل می‌شود، پیشران‌هایی که می‌توانند زنجیره‌ای از تغییرات را در روابط حال و آینده ترکیه و اسرائیل را در پی داشته باشند. بنابراین عوامل تاثیرگذار حوزه دریای مدیترانه که می‌تواند هم اینک و هم در آینده، تل‌آویو و آنکارا را وارد یک وضعیت

این اتحادیه را وارد فاز اجرایی کردند، در ارتباط با اساس نامه این سازوکار منطقه‌ای نیز به توافق دست یافتند (زمردبخش آزاد، ۱۳۹۳: ۶). سارکوزی، هدف اصلی از تشکیل این اتحادیه را ایجاد برابری حقوقی و ایجاد وظایف برابر برای کشورهای عضو دانست به صورتی که کشورهای ساحل شمالی مدیترانه بتوانند به کشورهای ساحل جنوبی کمک کنند و به زعم سارکوزی آنچه که در این اتحادیه با فرآیند بارسلون متفاوت است، مشارکت میان مردم کشورهای عضو است. این تغییر نام را نباید صرفاً یک ملاحظه کلامی دانست، زیرا تلاشی آگاهانه برای نشان دادن پویایی و پایانی روند بارسلون است که برای سالیان متمادی میان کشورهای حوزه مدیترانه در جریان بوده است. به واقع، هدف این بود تا این ابتکار فرانسه، بیشتر امتداد روندها و دستاوردهای بارسلون تلقی شود و از وزن سیاسی فرانسه به عنوان مبدأ این طرح کاسته شود (آلبیونی، ۲۰۰۹: ۸۲).

- تحولات عربی؛ منطقه خاورمیانه طی دهه‌های گذشته همواره آبستن دگرگونی و تحول بوده است. به دنبال سرنگونی بن‌علی در تونس در ۲۰۱۱ و به دنبال آن سرنگونی حسنی مبارک در مصر، مجموعه حوادث زنجیروار در خاورمیانه و آفریقای شمالی ظاهر شدند. شکی وجود ندارد که قیام‌ها در سطوح ایدئولوژی، فرقه‌ای و سیاست قدرت بر منطقه خاورمیانه و مدیترانه تأثیر گذاشته است. قیام‌های سال ۲۰۱۱ باعث بوجود آمدن گروه‌های اسلام‌گرای رادیکال و ورود اخوان‌المسلمین به کریدورهای قدرت گردید. اسرائیل سعی می‌کند ترس خود را بیرون بریزد و از طرفی ترکیه که به دنبال نفوذ در منطقه است، تلاش می‌کند به عنوان بازیگر فعال جدیدی در منطقه ظهور کند. با این حال تغییرات و تحولات کشورها بعد از قیام‌های سال ۲۰۱۱، بسته به مناقشاتی که این دو کشور را تهدید می‌کند با یکدیگر در تعامل هستند.

- تنش ترکیه و فرانسه؛ تنش در دهه‌های اخیر آنکارا - پاریس تا حد زیادی ریشه در اختلافات دو کشور در مسائل ژئوپلیتیکی دارد. در این رقابت ژئوپلیتیک، از یک سو ترکیه در حال افزایش قدرت خود است

با کریدور چند وجهی که منطقه اقیانوس هند را از طریق غرب آسیا به مناطق مدیترانه مرتبط می‌سازد. مسئله دیگر، حضور سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو)، نیروی دفاعی پسکو، ایالات متحده آمریکا، اتحادیه اروپا، روسیه و چین به عنوان بازیگران اصلی فرامنطقه‌ای در منطقه، نمی‌تواند فقط به خاطر منابع انرژی باشد. بلکه به نظر می‌رسد که در این محدوده جغرافیایی، بحث توازن قوا نیز به اندازه منابع انرژی برای قدرتهای بزرگ اهمیت دارد و لذا نه تنها، این منطقه به صحنه جدید رقابت آن قدرتها و قطب بندی‌های سیاسی، اقتصادی و نظامی تبدیل شده است، بلکه حضور قدرتهای بزرگ می‌تواند منجر به افزایش تنش بین ترکیه و اسرائیل شود.

از دیگر تحولات این حوزه می‌توان به رقابت و دستیابی به سیستم‌های تسلیحاتی جدید اشاره کرد، کشورهای حاشیه این حوزه به ویژه آنکارا و تل‌آویو به دنبال تغییر و تحول بنیادین در صنعت نظامی به خصوص توسعه برنامه بهپادها و مانورهای عملیاتی فرامرزی خود می‌باشند. و در نهایت شکل‌گیری ترتیبات امنیتی با حضور حزب اله لبنان، جهاد اسلامی، حماس، اخوان المسلمین، حزب النهضة، مسئله اقلیت کردها، گروه وفاق ملی لیبی و گروه‌های تروریستی مانند داعش و القاعده از دیگر موضوعات مدیترانه محسوب می‌شود.

۶. سناریونویسی و تبیین آینده‌های مطلوب، محتمل و ممکن

• **سناریوی اول (ممکن):** ترکیه و اسرائیل با سرعت تلاش می‌کنند تا جایگاه خود را به‌عنوان صادرکننده گاز به اروپا تثبیت کنند. گاز نقش استراتژیک در امنیت ملی این دو کشور ایفا می‌کند. از نظر آنکارا و تل‌آویو صادرات گاز به اروپا می‌تواند ضامنی برای تامین امنیت بیشتر این کشور به شمار بیاید. توسعه خطوط لوله انرژی ایستمد و ترک استریم و اجرای سیاست‌های بلند پروازانه این دو کشور با چالش‌هایی نیز مواجه هست. یکی از چالش آنها اختلافات مرزی با برخی کشورها است. در حال حاضر میدین نفت و گاز و طرح‌های اکتشاف و توسعه میدین و خطوط لوله

رقابت، همکاری و حتی تعارض بالقوه کند؛ به مواردی همچون کشف منابع عظیم هیدروکربنی در یک دهه اخیر اشاره کرد که مورد توجه همه کشورهای منطقه و قدرتهای فرامنطقه‌ای قرار گرفته است. بنا بر گزارش سازمان زمین‌شناسی آمریکا در سال ۲۰۱۰ میلادی، مدیترانه با داشتن حداقل ۱۲۲ و حداکثر ۲۲۷ تریلیون متر مکعب گاز طبیعی قابل استخراج پنجمین منطقه برخوردار از این منبع انرژی است (پرونترا و رزال، ۲۰۱۷: ۱۴۸).

اما مسئله دیگر در مورد مدیترانه، می‌توان به تعیین حدود و اختیارات دریایی به دلیل اهمیت منابع انرژی کشف شده اشاره کرد.

عامل دیگر تاسیس مجمع گازی مدیترانه توسط هفت کشور مدیترانه‌ای شرقی، از دیگر تغییر و تحولاتی محسوب می‌شود که باعث شکل‌گیری موازنه‌ی جدید کشورها در این حوزه شده است. در سال ۲۰۱۹ نشست وزیران مجمع گاز مدیترانه شرقی با حضور وزیران انرژی اسرائیل، ایتالیا، یونان، مصر، قبرس جنوبی، دولت تشکیلات خودگردان فلسطین، اردن و ایالات متحده به عنوان ناظر، در قاهره برگزار شد. این مجمع کارکردی شبیه اوپک را دنبال می‌کند. در این نشست ترکیه، لبنان و سوریه حضور نداشتند. ترکیه این مجمع را تهدیدی علیه خود می‌داند. در سال ۲۰۲۰ با تبدیل مجمع گاز مدیترانه شرقی به یک سازمان منطقه‌ای، که هدف این سازمان هماهنگ سازی سیاست‌های گازی، حذف تشکیلات خودگردان فلسطین از این سازمان، عادی سازی روابط اسرائیل با کشورهای عربی در راستای برنامه بلند پروازانه‌ای برای تبدیل شدن به قطب انرژی و کاهش نفوذ ترکیه و روسیه از معادلات انرژی در مدیترانه است. مسئله دیگر رقابت برسر صادرات و ترانزیت انرژی می‌باشد، اسرائیل با پشتیبانی ایالات متحده آمریکا و اتحادیه اروپا برای کاهش سهم روسیه در بازار انرژی اروپا، به دنبال احداث پروژه‌ی خط لوله‌ی ایستمد که هدف آن رقابت با خط لوله‌ی ترک استریم و کاهش وابستگی انرژی اروپا به روسیه می‌باشند.

یکی دیگر از مؤلفه‌ها، رقابت کریدور میانی که چین و آسیای مرکزی را به مدیترانه متصل می‌کند

بود، به گونه‌ای که امکان برقراری هر نوع سازش و توافق بین آنکار و تل‌آویو از بین می‌رود.

• **سناریوی سوم (مطلوب):** اسرائیل در صدد است تا با اکتشاف و توسعه میادین نفت و گاز و ایجاد خطوط لوله انتقال گاز در مسیرهای مختلف، خود را به عنوان یکی از بازیگران اصلی صادرات گاز در مدیترانه مطرح کند. تل‌آویو در این مسیر شاهد چالش‌های امنیتی و سیاسی با لبنان، برخی گروه‌های فلسطینی و ترکیه بوده که بسیاری از آنها همچنان باقی مانده است. ترکیه به نوبه خود با هرگونه توسعه میادین گازی مدیترانه که ترکیه را از معادلات خارج کند، مخالف است. این امر به‌ویژه در مورد گاز قبرس که ترکیه حداقل ادعای مالکیت جزئی بر آن دارد، صادق است. یکی از طرح‌های بلندپروازانه رژیم اسرائیل، خط لوله انتقال گازی است که از مسیر قبرس عبور می‌کند. بنابراین سیاست‌های توسعه طلبانه و خصمانه اسرائیل در مدیترانه، چه بسا، در آینده آنکارا و تل‌آویو به مواجهه مستقیم عملیات نظامی علیه یکدیگر کشیده می‌شوند.

• **سناریوی چهارم (محتمل):** جنگ یک دهه‌ای در سوریه و لیبی، رویایی میان ترکیه، یونان و قبرس ایجاد پایگاه دائمی نظامی روسیه در شرق مدیترانه، عبور و مرور پناهندگان به اروپا، مسیر ترانزیت کانال سوئز از چالش‌های پیش روی اسرائیل در مدیترانه می‌باشد. اسرائیل در مقابل این چالش‌ها و تهدید محور مقاومت و کشورهای عربی در صدد همکاری با کشوری است که هم در خاورمیانه قدرت نقش‌آفرینی داشته باشد و هم در حوزه مدیترانه. آنکارا همواره خود را در معرض تهدیدات ایالات متحده و روسیه می‌بیند و با نزدیکی به تل‌آویو در تلاش است تا حدی از این تصور تهدید بکاهد و علاوه بر آن، از تکنولوژی ایالات متحده و اروپا به واسطه همکاری با تل‌آویو استفاده کند.

همکاری آنکارا و تل‌آویو قطعاً باعث کاهش این چالش‌ها می‌شود. تحولات مدیترانه به طور عمقی در پیوند روابط بین ترکیه و اسرائیل قرار گرفته است. آنکارا و تل‌آویو مصمم هستند که از منافع خود در مدیترانه دفاع کنند حتی اگر این به معنای تبدیل

در دریا، ادامه دارد. به همین دلیل ترکیه و اسرائیل با تغییر در استراتژی نظامی خود، بر نیروی دریایی سرمایه‌گذاری ویژه‌ای کرده‌اند. از سوی دیگر جنگ اوکراین فرصت جدیدی را مقابل ترکیه و اسرائیل ایجاد کرد تا بخشی از گاز صادراتی روسیه به اروپا را جایگزین کنند.

بنابراین منافع و تهدیدات موازی آنکارا و تل‌آویو در دریای مدیترانه موجب عدم همکاری آنها خواهد شد، بنابراین آنکارا با همراهی تل‌آویو، سیاست‌های تنش‌زدایی را برای کاهش منازعات در مدیترانه در پیش خواهند گرفت.

• **سناریوی دوم (مطلوب):** سیاست ترکیه که با انگیزه‌های عثمانی و اسلام‌گرایانه تغذیه می‌شود، منجر به رویکردی فعالانه در قبال خاورمیانه و همچنین تنش‌هایی در روابط با اسرائیل شده است. این امر پس از تلاش یک کشتی ترکیه‌ای به نام ماوی مرمه در ماه مه ۲۰۱۰ برای شکستن محاصره غزه توسط اسرائیل آشکار شد. در اکتبر ۲۰۱۰، شورای امنیت ملی ترکیه حتی در سند سیاست رسمی خود، «کتاب سرخ»، اسرائیل را به عنوان یکی از تهدیدهای اصلی این کشور معرفی کرد. (اوزوگلو، ۲۰۱۳: ۸) اشتباهی ترکیه برای انرژی و آرزوی تبدیل شدن به پل انرژی به اروپا می‌تواند منجر به رفتار تهاجمی شود. کشتی‌های جنگی ترکیه کشتی‌های اکتشاف نفت و گاز در سواحل قبرس را مورد آزار و اذیت قرار داده‌اند. قبرس همچنین ایستگاه اصلی خط لوله مورد نظر ترکیه است که گاز لوانت را برای صادرات به اروپا به ترکیه می‌برد. آنکارا حتی ممکن است و اشغال بخش شمالی جزیره قبرس وسوسه شود. آنکارا نوسازی نظامی را آغاز کرده و برنامه‌های بلندپروازانه‌ای دارد. نیروی دریایی ترکیه بزرگترین نیروی دریایی در مدیترانه است. در مارس ۲۰۱۲، فرمانده نیروی دریایی وقت دریاسالار مورات بیلگل، هدف استراتژیک ترکیه را «عملیات نه تنها در سواحل بلکه در دریاهای آزاد» با اشاره دریاهای آزاد را تشریح کرد (اینبار، ۲۰۱۴: ۹). بنابراین ترکیه در صورت ادامه سیاست‌های تهاجمی خود برای کسب منافع بیشتر در مدیترانه، در آینده با مناقشه و ستیز با اسرائیل و متحدان آن مواجه خواهد

محقق شدن این هدف، آنکارا و تل‌آویو علاوه بر اینکه از حمایت اروپا برخوردار می‌شوند، با دیگر کشورهای منطقه‌ای مدیترانه به منافع مشترک می‌رسند. ایجاد یک موازنه مشارکتی در پرتو یک رویکرد پراگماتیستی در مدیترانه از اهداف سیاست‌های آنکارا و تل‌آویو خواهند بود. بنابراین منافع و تهدیدات مشترک آنکارا و تل‌آویو در حوزه مدیترانه موجب همکاری آنها خواهد شد.

• **سناریوی پنجم (ممکن):** تل‌آویو و آنکارا برای دستیابی به اهداف سیاسی، نظامی و اقتصادی خود در مدیترانه، با اجرای سیاست‌های تهاجمی و نظامی خود به ویژه در این حوزه، به دنبال دستیابی به منافع اقتصادی و ژئوپلیتیکی خود خواهند بود. طبیعی است که فرصت‌های اقتصادی و ژئوپلیتیک این رویداد بیش از تهدیدهای آن خواهد بود. آنچه مسلم است، رفتار و استراتژی ترکیه و اسرائیل بعد از کشف نفت و گاز با قبل از آن تفاوت کامل خواهد داشت. منافع و تهدیدات اختلاف‌زای آنکارا و تل‌آویو در دریای مدیترانه که عمق کمتری نسبت به منافع تعارض‌زا دارند، سبب رقابت میان دو کشور خواهد شد، اما منجر به تنش میان روابط دو کشور نخواهد شد.

نتیجه‌گیری

در طی سال‌های سردی بین روابط تل‌آویو و آنکارا، هر دو کشور دارای منافع متقابل قوی در عرصه اقتصادی، تجارت، انرژی، گردشگری و امنیتی می‌باشند. یکی از حوزه‌هایی که هر دو کشور در آن منافع مشترک متعارض و تهدیدزا دارند، دریای مدیترانه است. در این پژوهش سعی شد، مبانی اصلی نظریه مجموعه امنیتی منطقه‌ای با استفاده از محیط امنیتی مدیترانه و تاثیر آن بر آینده روابط آنکارا و تل‌آویو مورد نقد و سنجش قرار گیرد.

• منطقه حوزه دریای مدیترانه به دلیل سیاست‌های رقابت جویانه دولت‌های منطقه و چالش‌های درونی و بیرونی آن تشکیل دهنده یک مجموعه امنیتی می‌باشد.

• مجموعه امنیتی مدیترانه با توجه به مجاورت و پیوستگی جغرافیایی آن، آنکارا و تل‌آویو که در

توافقنامه‌های بی‌ارزش باشد. در باب امنیت انرژی، اسرائیل به دنبال متنوع‌سازی در بحث انرژی است. در سال‌های ۲۰۱۶-۲۰۱۵، بر خلاف سایر بازارهای بالقوه در منطقه، به نظر می‌رسید ترکیه از نظر فنی و مالی کاندید ایده‌آلی به حساب می‌آید. ترکیه تقریباً تمام گاز طبیعی خود را وارد می‌کند، تقریباً ۶۰ درصد آن را از روسیه و ۲۰ درصد از ایران وارد می‌کند، و خواست که به ویژه پس از بحران در روابط ترکیه و روسیه در سال ۲۰۱۵، از این دو منبع دور شده و تنوع ایجاد کند. به نقل از یک کارشناس برجسته انرژی ترکیه، به مطبوعات توضیح داد که گاز اسرائیل می‌تواند به ترکیه کمک کند تا نیازهای انرژی خود را رفع کند و به این کشور کمک کند تا دیگر از منابع روسیه استفاده نکند و یک «وضعیت برد-برد» را برای دو کشور رقم بزند.

علاوه بر منافع برای ترکیه، طرفداران چنین قراردادی استدلال دارند که برای اقتصاد اسرائیل می‌تواند ارزش قابل توجهی باشد. علاوه بر این، حامیان اسرائیلی این قرارداد را ابزاری امکان‌پذیر برای توسعه میدان لوظاتان می‌دانند که آنها را منافع راهبردی امنیت ملی تلقی می‌کنند.

بنابراین، یک مانع بزرگ و عمده در راه ساخت خط لوله اسرائیل و ترکیه، قبرس است. ترکیه از اسرائیل خواسته است که بر قبرس فشار آورد و از سوی دیگر، روسیه نفوذ قابل توجهی بر قبرس دارد و ممکن است از آن برای تحت فشار قرار دادن قبرس برای کند کردن روند تصویب ساخت خط لوله به نفع مسکو بهره‌برد. تا اواخر سال ۲۰۱۷، اسرائیل و ترکیه اظهار داشتند که در حال برنامه‌ریزی برای ساخت این خط لوله تا پایان سال ۲۰۱۹ هستند و انتظار دارند که این خط لوله در سال ۲۰۲۱، گاز انتقال دهد. با این حال، تحلیلگران دیگری توضیح می‌دهند که ممکن است قبرس چنین مانعی برای این توافق ایجاد نکند، اما فقط به دنبال اطمینان یافتن از اتصال میدان گازی تازه کشف شده خود به این خط لوله اسرائیل - ترکیه باشد (افرون، ۲۰۱۸: ۲۲).

بنابراین می‌توان گفت ترکیه و اسرائیل به دنبال این هستند که اروپا را به گاز خود وابسته کنند. در صورت

مربوط به حدود دریایی، عدم حضور آنکارا در مجمع گاز مدیترانه شرقی، رقابت خطوط انرژی ایستمد با ترک استریم، تنش کریدورها، رقابت بازیگران فرامنطقه‌ای با یکدیگر افزایش مسابقات تسلیحاتی و در نهایت عوامل امنیتی به ویژه رشد فزاینده اسلام گرایان و گروه‌های تروریستی می‌تواند باعث برهم

مجموعه امنیتی این حوزه قرار دارند به علت آناشری واحدها، از بحران حاد بی ثباتی امنیت و یا از بحران رقابت‌های غیر سازنده رنج می‌برند، هر دو نگران بی‌ثباتی، نا امنی و گسترش تروریسم در این حوزه هستند.

- اکتشاف منابع عظیم هیدروکربنی، تنش‌های

جدول شماره ۱: تابلوی سناریوهای ممکن، محتمل و مطلوب

شماره و نام سناریو	منابع هیدروکربنی	مناقشات دریایی	مجمع گاز مدیترانه شرقی	رقابت خطوط انتقال انرژی	رقابت کریدورها	تقابل قدرتهای فرامنطقه‌ای	رقابت تسلیحاتی	ترتیب امنیتی
سناریو ۱: سیاست‌های تنش‌زدایی	حذف یا کاهش رقابت	حذف یا کاهش رقابت	حذف یا کاهش رقابت	حذف یا کاهش رقابت	حذف یا کاهش رقابت	عدم تقابل	حفظ وضع موجود	حفظ وضع موجود
سناریو ۲: سیاست‌های نو عثمانی ترکیه	تشدید رقابت	تشدید رقابت	تشدید رقابت	تشدید رقابت	تشدید رقابت	تقابل	تغییر وضع موجود	تغییر وضع موجود
سناریو ۳: سیاست‌های توسعه طلبانه اسرائیل	تشدید رقابت	تشدید رقابت	تشدید رقابت	تشدید رقابت	تشدید رقابت	تقابل	تغییر وضع موجود	تغییر وضع موجود
سناریو ۴: سیاست‌های همگرایی	همکاری	همکاری	همکاری	همکاری	همکاری	عدم تقابل	همکاری	همکاری
سناریو ۵: سیاست‌های رقابتی	رقابت	رقابت	رقابت	رقابت	رقابت	عدم تقابل	حفظ وضع موجود	حفظ وضع موجود

می‌کنند، پیامدهای منفی برای حاکمان حزب توسعه و عدالت اسلامی در آینده خواهد داشت.

۲. روابط آنکارا و تل‌آویو در کوتاه مدت یا میان مدت متأثر از رقابت و برهم خوردن توازن قوا در مجموعه‌های امنیتی خاورمیانه، شمال آفریقا، قفقاز و آسیای مرکزی خواهد بود.

۳. روابط ایالات متحده و اتحادیه اروپا با ترکیه و با توجه به نزدیکی آنکارا به مسکو و پکن تنش‌دار شده و بر روابط این دو کشور تأثیر خواهد داشت.

۴. روابط سیاسی دو کشور در آینده نسبت به سیاست‌های نو عثمانی ترکیه، مسئله فلسطین بویژه الحاق کرانه باختری و کردها همراه با پیامدهای منفی متعددی خواهد بود.

۵. و در نهایت تنش در روابط سیاسی بر روابط حوزه‌های اقتصادی، تجاری، گردشگری و امنیتی اثرگذار خواهد بود.

بنابراین تمامی این موارد منجر خواهد شد تا در آینده ترکیه و اسرائیل با وجود انگیزه کمتر بخواهند با وجود اختلافات، با هم همکاری کنند، اما ماهیت راهبردی نخواهد داشت و این همکاری محدود خواهد بود.

منابع فارسی:

۱. اطهری، سیدحسین، بختیاری جامی، محسن (۱۳۹۸). نواوراسیاگرایی روسیه و موازنه قدرت در شرق مدیترانه، فصلنامه مجلس و راهبرد، سال بیست و هفتم، شماره ۱۰۱، ۱۷۲-۱۴۵.

۲. بزرگمهری، مجید (۱۳۹۹). روابط ترکیه و اسرائیل در دو دهه اخیر (۲۰۱۹-۲۰۰۰) همگرایی یا واگرایی، فصلنامه علمی مطالعات روابط بین‌الملل، سال سیزدهم، شماره ۵۲، ۴۰-۹.

۳. بوزان، باری (۱۳۸۱). ساختاری همواره کشمکش‌زا، فصلنامه سیاست خارجی، سال شانزدهم، شماره ۳، ۶۷۲-۶۵۰.

۴. پیشگاهی فرد، زهرا (۱۳۹۷). مقدمه‌ای بر جغرافیای سیاسی دریاهای با تأکید بر آبهای ایران، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

۵. جعفری ولدانی، اصغر (۱۳۹۹). چالش‌ها و منازعات

خوردن موازنه قوا و افزایش قدرت نسبی کشورهای این حوزه در حال و آینده شود. اشتباهی فراوان آنکارا برای دستیابی به منابع انرژی و تبدیل شدن به هاب انرژی، شیوه سیاست خارجی ترکیه به طرز چشمگیری تهاجمی و نظامی گردید.

موضوع ترانزیت و تبدیل شدن به هاب انرژی، می‌تواند تل‌آویو را به عنوان یک بازیگر مهم در عرصه انرژی تبدیل کند و به تبع آثار مهمی در معاملات سیاسی و اقتصادی منطقه ای و بین‌المللی داشته باشد. در حوزه امنیتی و سیاسی با افزایش تنش‌ها در این حوزه موازنه قوا به نفع اسرائیل تغییر کرده است.

از این‌رو شاهد شکل‌گیری یک فرایند وابستگی متقابل امنیتی مثبت، موجب بهبود شرایط امنیتی و شکل همکاری جویانه بین ترکیه و اسرائیل خواهیم بود.

• ترکیه و اسرائیل تنها دو بازیگر قدرتمند در مدیترانه هستند که توان و پتانسیل هدایت عملیات نظامی در مدیترانه و شکل‌گیری ائتلاف‌های سیاسی - امنیتی در این حوزه را دارند. بنابراین توازن جدید باید بین این دو بازیگر صورت پذیرد.

• اما در مورد مسئله کردها و فلسطینیان در عرصه الگوهای دوستی و دشمنی مجموعه امنیتی که ماهیت سازه‌انگاره دارد، توضیح دهنده بخشی از سیاست‌های فشار ترکیه و اسرائیل است که در شرایط خاص بر علیه هم بهره می‌برند.

• با شکل‌گیری معماهای جدید امنیتی، رقابت و بی‌اعتمادی در مدیترانه، تل‌آویو با عادی‌سازی با کشورهای عربی و ائتلاف با کشورهای دریای مدیترانه و حمایت ایالات متحده و ناتو از آن، آنکارا نهایتاً از سیاست‌های تهاجمی خود به ناچار دست برمی‌دارد و سعی در گفتگو با اسرائیل با اتخاذ یک استراتژی جدید برد - برد - مصمم به ایفای نقش مثبت همکاری جویانه خواهد بود.

اما در آینده این همکاری می‌تواند با توجه به:

۱. با نزدیکی ترکیه به اسرائیل با توجه به محبوبیت اردوغان در میان اسلام‌گرایان و حتی احزاب چپ که به صورت سنتی از فلسطینیان حمایت

prospect of energy Cooperation in the Eastern Mediterranean, Turkish studies, No: 26, PP: 23-1.

6. Efron, Shira (2018). The Future of Israeli- Turkish Relations. Santa Monica: RAND Corporation.

7. El Houdaigui, Rachid. NATO's Mediterranean Dialogue: What are new possible approaches? 6,07,2016. <https://www.policycenter.ma/index.php/publications/natos-mediterranean-dialogue-what-are-new-possible-approaches?page=2> (accessed 17,09,2022).

8. Inbar, Efraim (2014). «Israel's Challenges in the Eastern Mediterranean». Middle East quarterly 21, No.12-1 ,4.

9. Jajati, K Pattnaik. And Chandan K Panda. How India- Arab- Mediteranean Corridor stands up to Chinax expansionist BRI programme. 2022 ,09 ,16. <https://www.firstpost.com/opinion-news-expert-views-news-analysis-firstpost-viewpoint/how-india-arab-mediterranean-corridor-stands-up-to-chinas-expansionist-bri-programme11267761-.html> (accessed ,09 2022 ,09).

10. Matalucci, Sergio. Energy diplomacy in the eastern Mediterranean. 08,10,2020. <https://www.dw.com/en/eastmed-gas-forum-fuels-energy-diplomacy-in-troubled-region/a55206641-> (accessed ,09 ,18 2022).

11. Musu, C (2006). «NATO's Mediterranean Dialogue: More than Just an Empty Shell?», Mediterranean Politics, Vol., 11No.3p.240.

12. Oğuzlu, Tarik (2010) "The Changing Dynamics of Turkey-Israel

در خاورمیانه، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.

۶. رضوی، سیدعبداله (۱۴۰۰). اروپا و معضل امنیت انرژی با محدودیت و راهبردها، فصلنامه مطالعات اقتصاد انرژی، سال هفدهم، شماره ۷۰، ۲۲۱-۱۸۷.

۷. زمردبخش آزاد، شهناز (۱۳۹۳). اتحادیه مدیترانه‌ای، رویای شرقی فرانسه، اهداف و موانع، پژوهشنامه روابط بین‌الملل، دوره هفت، شماره ۲۶، ۱۷۴-۱۴۸.

۸. ملکی، عباس (۱۳۹۶). امنیت انرژی، تهران، انتشارات دنیای اقتصاد.

۹. میرحیدر، دره (۱۳۹۰). مبانی جغرافیای سیاسی، تهران: سمت.

منابع لاتین:

1. Albioni, Roberto (2009) AybarsThe Union for the Mediterranean, Evolution and Prospects, Istituto Affarilnrwenzionali, Available at: www.iai.it/pdf/DocIAI/IA10939E.pdf.

2. Bureau, D&B Importance of India-Arab- Mediterranean Corridor. ,03 ,01 2022. <https://diplomacybeyond.com/importance-ofindia-arab-mediterranean-corridor/> (accessed 2022 ,09 ,09).

3. CM Guest Columnist. Challenges of an East Med pipeline. 2017 ,02 ,07. <https://cyprus-mail.com/02/07/2017challenges-east-med-pipeline/> (accessed ,09 ,21 2022).

4. Dalay, Galip. Turkey, Europe, and the Eastern Mediterranean: Charting a way out of the current deadlock. ,01 2021 ,28. <https://www.brookings.edu/research/turkey-europe-and-the-eastern-mediterranean-charting-a-way-out-of-the-current-deadlock/> (accessed ,10 ,05 2022).

5. Demiryol, Tolga (2018). Between security and prosperity: turkey and the

3. میز نفت، وحشت واشنگتن از ورود چین به مدیترانه. 1400, 01, 15. <https://www.mizenaft.com/report/2022/11/01> (دستیابی در 29637).
- Relations: A Structural Realist Account", Mediterranean Politics, 288-273 ,15:2.
13. Ottaway, Marina and Carothers Thomas (2004). The Greater MiddleEast Initiative: off To a Fals Story, Policy Brief, 29 March, p.4.
14. Ruszel, Mariusz, and Prontera. Andrea (2017). «Energy security in the Eastern Mediterranean.» Middle East Policy 24, No.162 -145 :3.
15. Speech by NATO secretary general, Lord Robertson at the Royal United Services Institute, London 29April 2002. (Accessed 2022 ,09 ,20).
16. Stergiou, Andras (2017). «TurKey – Cyprus- Israel realtions and the Cyprus conflict» Journal of Balkan and Near Eastern Studies, PP:19-1
17. Ulusoy, Kivanc (2020). «Turkey and Israeli changing patterns of Alliances in the Eastern Mediterranean»Journal of Balkan and Near Eastern studies Vol. 22, PP: 430 -415.
18. Yeranian, Edward. EU, Egypt, Israel Agree to Export Israeli Liquefied Natural Gas to Europe. 2022 ,06 ,15. <https://www.voanews.com/a/eu-egypt-israel-agree-to-export-israeli-liquefied-natural-gas-to-europe/6618920.html> (accessed ,09 ,27 2022).

سایت‌های فارسی:

1. گروه رصد اندیشکده جریان، آخرین تحولات در 1399, 05, 03. «ایست-مید». <https://jaraian.com/998081111/13992022/06/18> (دستیابی در 2022/06/18)
2. گروه رصد اندیشکده جریان، پیام‌های سیاسی 1399/7/10. پیوستن امارات به مجمع گاز مدیترانه شرقی <https://jaraian.com/2-12012114/13992022/06/18> (دستیابی در 2022/06/18).